



doi 10.22059/jis.2023.361657.1207

Research Paper

An anthropological study of traditional, symbolic, and ritual dolls of the people of Ardabil province

Ali Basri⁴ - Yaqoub Sharbatian³ Vahid Rashidvash^{2✉} Ammar Ahmadi¹

1. PhD Student, Department of Anthropology, Nahran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: ammar.ahmadi2222@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Anthropology, Nahran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Rashidvash@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Anthropology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran. Email: dy_sharbatian@yahoo.com
4. Assistant Professor, Department of Anthropology, Nahran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: basedirdon@yahoo.com

Article Info.

Abstract

Received:
2023/07/02

Accepted:
2025/01/26

Keywords:
Glinbala,
Chumchekhatin,
Dodo, Biche,
Elkhordti,
Takum.

"At first glance, traditional dolls are considered a symbolic toy for girls and boys in most regions of Azerbaijan. Most regions have their own dolls that differ in terms of physical structure and symbolic social function. This case study focuses on ritual and symbolic dolls common among the people of Ardabil province in the past and still continue in some rural areas. Traditional and ritual dolls among the people of different regions of Ardabil province represent the social role of women and men, in other words, they teach future social duties and responsibilities. The research method of this applied research is qualitative, focused on field analysis, which uses symbolic and interpretive anthropology theory in the analysis and interpretation of the problem. The originality of this research article lies in the rarity of such articles; the gap of this research in the field of case studies of Ardabil province was fully felt. The result of this research, in addition to introducing and preserving traditional dolls, in the myths and legends of these symbolic dolls, the temporal and spatial aspect has taken over the tone and structural color of Ardabil's culture. The climatic conditions of these dolls show that the place of the narrative is mountainous regions that have long and harsh winters and short summers."

How To Cite: Ahmadi, Ammar. Rashidvash, Vahid. Sharbatian, Yaqoub. Ali, Basri (2025). Anthropological study of traditional, symbolic and ritual dolls of the people of Ardabil province... Quarterly Journal of Iranian Studies, 15(2)1-28

Publisher: University of Tehran Press.





مطالعه مردم‌شناسی عروسک‌های سنتی، نمادین و آیینی مردم استان اردبیل

عمار احمدی^۱ - وحید رشیددوش^۲ - یعقوب شربتیان^۳ - علی باصری^۴

۱- دانشجوی دکتری، گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

ammar.ahmadi222@gmail.com

۲- استادیار، گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

Rashidvash@yahoo.com

۳- استادیار، گروه مردم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. رایانامه:

dy_sharbatian@yahoo.com

۴- استادیار، گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

baseridon@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

عروسک‌های سنتی در نگاه نخست نوعی اسباب‌بازی نمادین دختران و پسران بیشتر مناطق آذربایجان به حساب می‌آید. بیشتر این مناطق عروسک‌های مخصوص به خودشان را دارند که از نظر ساختار فیزیکی و کارکرد نمادین اجتماعی آن باهم متفاوت هستند. این مطالعه موردی متمرکز شده روی عروسک‌های آیینی و نمادینی که در بین مردم استان اردبیل در گذشته رایج بوده و در برخی مناطق روستایی هنوز هم ادامه دارد. عروسک‌های سنتی و آیینی رایج در بین مردم مناطق مختلف استان اردبیل نشان دهنده نقش اجتماعی زنان و مردان و به عبارتی آموزش وظایف و مسئولیت اجتماعی آینده آنهاست. روش تحقیق این پژوهش کاربردی با محوریت تحقیق کیفی متکی بر تحلیل میدانی می‌باشد که از نظریه انسان‌شناسی نمادین و تفسیری در تحلیل و تفسیر مردم‌شناختی مسئله استفاده شده است. ابتکار و نوآوری این مقاله پژوهشی در نایاب بودن این گروه از مقالات است به عبارتی جای خالی این پژوهش در حوزه مطالعات موردی استان اردبیل کاملاً احساس می‌شد. نتیجه این پژوهش علاوه بر معرفی و حفظ و نگهداری عروسک‌های سنتی مناطق مختلف استان اردبیل در اسطوره‌ها و افسانه‌های این عروسک‌های نمادین آئیم زمانی و مکانی تا حدودی لحن و رنگ ساختاری فرهنگ مردم اردبیل را به خود اختصاص داده است. شرایط اقلیمی و زیستی این عروسک‌ها نشان می‌دهد که مکان روایت مناطق کوهستانی است که زمستان‌های بلند، طولانی و سختی دارد و تابستان‌های کوتاه و خنگی در آن موج می‌زند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۱/۰۷

واژه‌های کلیدی:

گلین-بالا،
چومچه‌خاتین، دودو،
بیچه، الخورتدی،
تکم.

استناد به این مقاله: عمار. رشیددوش، وحید. شربتیان، یعقوب. علی، باصری (۱۴۰۴). مطالعه مردم‌شناسی عروسک‌های

سنتی، نمادین و آیینی مردم استان اردبیل... فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۵(۲)، ۱-۲۸



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه و بیان مسئله

عروسک و نمایش عروسکی در جهان یکی از رشته‌های زیبای هنرهای نمایشی است که از قدمتی چندین صدساله برخوردار است. انسان از دیرباز می‌خواسته است تصوراتی را که از خدایان و فرشتگان دارد به شکل یک عروسک و مجسمه و یا یک شی‌نمادین از دنیای تخیل و ذهنیات بیرون بیاورد و بدان‌ها عینیت ببخشد. انسان‌ها در اجتماعات اولیه خود پیکره‌ها و عروسک‌هایی را که نمادی از شیاطین و جادو بودند به آتش می‌کشیدند. ساختن و بازی دادن عروسک‌ها در سرزمین آذربایجان نیز معمول بوده است. آدام اولتاریوس، جهانگرد مجاری، در سفر خود به این منطقه به عروسک‌های چوبی اشاره کرده است که با صدای نازک گفتگو می‌کرده‌اند و این مکالمه گاه تا دو سه ساعت طول می‌کشیده است. متأسفانه از کیفیت اجرای نمایش عروسکی اطلاعات زیادی در دست نیست ولی باید اشاره کرد که از این اقلیم استادانی در این رشته بوده‌اند که در سایر مناطق برنامه‌های نمایشی عروسکی اجرا می‌کرده‌اند (احمدی، ۱۳۹۷: ۲۲).

خیام در این رباعی معروف خود از نمایش عروسکی به عنوان لعبت‌بازی یاد می‌کند و چنانکه ملاحظه می‌کنید در چهار مصرع از تمام دستگاه این نمایش نام می‌برد: ما لعبت‌کنیم و فلک لعبت باز / از روی حقیقتی نه از روی مجاز / بازیچه همی‌کنیم بر نطع وجود / افتیم به صندوق عدم یک یک باز (خیام، ۱۳۹۶: ۲۵).

نمایش سایه‌ای یا «کولگه اوینو» نیز در گذشته‌های دور وجود داشته است. در آذربایجان، زمانی که مردم زندگی صحراگردی داشتند و چادر نشین بودند شب‌ها که در چادرها جمع می‌شدند و به گفتگو می‌پرداختند به سایه‌هایی که از حرکات آنها در برابر آتش بر روی چادرها می‌افتاد توجه پیدا می‌کنند و کم‌کم به فکر بازی و سرگرمی بوسیله این سایه‌ها می‌افتند. ابتدا با حرکت دادن دست‌ها در برابر شعله آتش شکل‌هایی بر دیوار یا دیواره چادر می‌ساختند ولی بعدها با استفاده از اجسام کدری چون چرم-کاغذ-چوب و پوست توانستند اشکال مختلفی از حیوان و انسان بوجود آورند و با حرکت دادن آنها اسباب سرگرمی خود و دیگران بشوند. به سایه‌گردان در این بازی‌ها استاد یا لوطی می‌گفتند (نادری، ۱۳۷۴: ۳۴). در کتاب نمایش در ایران، بهرام بیضایی به نقل از اشترنامه در وصف استادان سایه باز شعر زیر را آورده است: پرده بازی بود استاد بزرگ / چابکی دانا، ولی از اصل ترک / صورت الوان عجایب ساختی / دایما با خویش بازی باختی (بیضایی، ۱۴۰۱: ۳۶).

نقل شده است که در قرن هشتم هجری شیخی در تبریز قاراگوز (شخصیت عروسک سایه‌ای در ترکیه) را به روی پرده اجرا می‌کرده است. یکی از عروسک‌بازان معروف دوران گذشته که در کتاب نمایش در ایران نیز از او نامی به میان آمده است، لوطی جبار اردبیلی است. او دوره‌گردی بود که از اردبیل تا قفقاز

همیشه در حال سفر و رفت و آمد بود. زمانی که با چادرنشینان زندگی می‌کرد نمایش سایه‌ای را در داخل چادر اجرا می‌کرد و چون در شهر و آبادی بود با آویختن پرده‌ای در مقابل آفتاب و ایجاد سایه بر آن نمایش می‌داد. شب‌ها نیز با روشن کردن آتش در پشت پرده می‌توانست نمایش خود را اجرا کند. اکثر مضمون‌های این نمایش‌های عروسکی را افسانه‌های ملی و قومی تشکیل می‌داد. برای مثال در اشعار عروسک نمادین تکم به مسائل خانوادگی، روابط عروس و مادر شوهر و داماد و مادر زن، رفتار اجتماعی زنان و دختران نیز با طنز و شوخی و انتقاد اشاراتی شیرین و بامزه می‌شود. تکمچی به در هر خانه‌ای که می‌رود و شعر می‌خواند، صاحب‌خانه به تناسب وضعیت مالی و امکانات خود چیزی بعنوان شایبش، خلعت و انعام به او می‌دهد. البته تکمچی نیز لزوم دادن انعام را یادآور می‌شود. اشعار تکم بسیار متنوع و فراوان است ولی ما به همین چند نمونه بسنده می‌کنیم. در استان اردبیل تکم به عنوان پیشاهنگ عید نوروز شناخته می‌شود و وقتی صدای تکمچی‌ها در کوچه و خیابان شنیده می‌شود مردم، بخصوص بچه‌ها، از اینکه عید دارد می‌آید خوشحال می‌شوند. در سال‌هایی که بین آخرین چهارشنبه سال تورپاق چرشنبه (چهارشنبه سوری) و عید نوروز فاصله زیاد باشد، این فاصله بحبوحه فعالیت تکمچی‌هاست. در پژوهشی برای تکم دریافتم که در ناحیه شمالی ایران و کناره‌های دریای خزر نیز عروسکی بنام تکم وجود دارد که گویا موجود افسانه‌ای بوده با سه پا و دو شاخ بر سر، بشکل یک دیو که با تکم مورد بحث ما تفاوت دارد. رگه‌هایی از این نمایش عروسکی در نواحی مرکزی کشورمان مانند اراک - ملایر و... دیده شده است که باید اذعان کرد خاستگاه تکم آذربایجان و بخصوص استان اردبیل بوده و از این منطقه به سایر نقاط رفته است (نادری، ۱۳۷۴: ۴۵).

اسباب بازی خصوصاً عروسک‌ها یعنی سیاهه‌ای از تمامی آن چه فرد بالغ از آن شگفت زده نمی‌شود: جنگ، دیوان سالاری، زشتی، مریخی‌ها و... از سوی دیگر تقلید به اندازه این نمونه سازی مو به مو خالی از خلاقیت نیست: اسباب بازی فرانسوی مانند سر کوچک شده ژيوارو است که تا حد یک سیب کوچک می‌شود و چین و چروک‌های صورت و موهای سر آدم‌های بزرگ‌تر را داراست. مثلاً عروسک‌هایی وجود دارند که ادرار می‌کنند؛ پوشک‌هایشان را خیس می‌کنند؛ و البته بی‌هیچ تردیدی به زودی شیر در شکمشان به آب تبدیل خواهد شد. به این ترتیب می‌توان دختر بچه را برای اجرای نقش خانه داری آماده کرد و او را برای نقش آینده مادر شدن تربیت کرد (بارت، ۱۳۷۵: ۱۲۱).

در این پژوهش میدانی و کیفی فرضیه‌ای که در پژوهش‌های کمی ارائه می‌گردد وجود ندارد، اما سوالات کلی و جزئی در روند تحقیق و مصاحبه با محوریت معرفی و بازشناسایی و تولید این عروسک‌های سنتی و نمادین مطرح بود که این سوالات در محور ضرورت‌های پژوهشی و اهداف این تحقیق تنظیم شده بود. این مقاله پژوهشی میدانی چندین هدف اساسی دارد که به ترتیب اولویت عبارتند از: اولین هدف شناساندن و معرفی عروسک‌های آیینی و نمادین رایج در بین مردم استان، دومین هدف بیان کارکرد

نمادین آن بین زنان و دختران و حتی مردان در زندگی اجتماعی مردم استان، سومین هدف تحلیل مردم‌شناسی بازتاب اسطوره‌ها و افسانه‌های این عروسک‌ها در فرهنگ مردم استان اردبیل

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

باید توجه داشت که با وجود ارزش بسیاری که پژوهش‌های اجتماعی برای کشورهای جهان سوم دارد، کم و بیش بیشتر پژوهش‌ها که تاکنون انجام گرفته، از سوی دانشمندان اروپا و آمریکا بوده که قانون بیشتر کارهایشان نیز جامعه‌های خودشان است. در کشورهای جهان سوم، دست اندرکاران هنوز به ارزش پژوهش‌هایی که دستاوردهای دراز مدت برای کل جامعه دارند پی نبرده‌اند. آنها بر این پندارند که تنها با دستیابی به فناوری‌های مدرن می‌توان به توسعه دست یافت و از این رو سده‌هاست که به دنبال گمانه‌های کهنه مدرنیزاسیون در جایگاه خود درجا می‌زنند. برای همین دیده می‌شود که جامعه‌های اروپایی بر روی پله پایانی نردبان نیازها، براستی اندیشه و هنر آفریننده را بیش از هر چیز ارج می‌نهند. آنها به خوبی می‌دانند که حتا هزاران جراح و پزشک زنده نمی‌توانند یک جامعه بیمار را درمان نمایند. بیگمان پیرو همان گمانه نردبان نیازها^۱ و ارزش‌های اجتماعی کشورهای جهان سوم به کمبود اندیشمندان و اندیشه‌پردازان در میان خود پی نبرده و از این رو تلاشی نیز در این راستا از خود نشان نمی‌دهند. اینجاست که اهمیت و ضرورت چنین موضوع‌های فرهنگی که ریشه در سنت‌ها و آیین‌های فولکلور مردم این مناطق دارد برای پژوهشگران پیش از بیش آشکار می‌گردد. این تیم پژوهشی با علم به این اندیشه و نیز برای حفظ و نگهداری و تولید محتوا در آینده نزدیک دست به پژوهش مردم‌شناختی در این حوزه زده است.

۳. پیشینه پژوهش

جایگاه خالی این پژوهش در حوزه مطالعات موردی خصوصاً مطالعه عروسک‌های آیینی و نمادین استان اردبیل کاملاً احساس می‌گردد. در خصوص پیشینه پژوهش در حوزه مطالعات داخلی می‌توان به کتاب‌ها و مقاله‌های علمی و پژوهشی اشاره کرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

جعفری دهکردی، طاهری (۱۴۰۰) نام مقاله پژوهشی (گونه‌شناسی عروسک‌های روان آسا در فرهنگ‌های ایرانی) این پژوهش در جست و جوی شناخت عروسک‌های آیینی روان آسا در ایران است. عروسک‌هایی گاه هراسناک یا نکوهیده که انسان‌ها از طریق ساخت، به کارگیری، یا تخریب آیینی آن‌ها، تلاش در فروکاستن بار روانی خود، و برانگیختن حس دلسوزانه دارند.

احمدی (۱۳۹۹) نام مقاله علمی و پژوهشی (مطالعه مردم‌شناسی بازتاب فرهنگی قصه عروسک گلین بالا در زندگی اجتماعی مردم آوارس استان اردبیل) در این مطالعه موردی بر گلین بالاهایی تمرکز شده است

^۱- Ladder of Needs

که خانواده‌ها در روستای آلوارس شهرستان سرعین می‌سازند. عروسک گلین بالا در میان مردم روستای آلوارس هم به نوعی نشان دهنده نقش دختران روستا و به عبارتی آموزش وظایف و مسئولیت اجتماعی آینده آن‌هاست.

عظیم‌پور (۱۳۸۹) نام کتاب (فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسی آیینی و سنتی ایران) در این کتاب به فرهنگ عروسک و نمایش‌های عروسی آیینی و سنتی مناطق مختلف ایران پرداخت شده است. هر چند این معرفی بسیار کوتاه و در حد بازنمایی یک شناسنامه مختصر است، اما مطالب و نکته‌های مهمی را در خصوص معرفی و بازشناسی این عروسک‌ها ارائه کرده است. یکی از مناطقی که در این کتاب به عروسک‌های آیینی و سنتی آن اشاره شده است، منطقه وسیع آذربایجان ایران از جمله استان اردبیل می‌باشد.

صفری نژادیان (۱۳۸۴) نام کتاب (عروسک‌های ایرانی) راهنمای آموزش عروسک‌سازی با مقدمه تاریخیچه عروسک و عروسک‌سازی در ایران قبل و بعد از اسلام می‌باشد. نویسنده در این کتاب مختصر معرفی در خصوص عروسک‌های مناطق مختلف آذربایجان از جمله منطقه اردبیل داشته است.

سهرابی، خسروی (۱۳۹۵) نام کتاب (عروسک‌های نوروزی ایران) در کتاب عروسک‌های نوروزی، این عروسک‌ها در قالب ترانه‌های کودکان سروده شده است و کودکان را با مناسبت، روش ساخت و فضای مراسمی و کارکردی عروسک‌ها در نوروز آشنا می‌کند. در این کتاب هم به عروسک‌های آیینی منطقه اردبیل خصوصاً عروسک سنتی و آیینی تکم و تکمچی کوتاه پرداخت شده است.

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷) نام کتاب (نمایشنامه‌های عروسی معاصر ایران) وقتی عنصر دومی به نام عروسک به اثر اجرای اضافه می‌شود، بخش عمده‌ای از نظرات و افکار کارگردان و گروه اجرای پیرامون جان‌بخشی عروسک و حرکات، رفتار و گفتار او متمرکز شده و خلق اثر اجرایی براساس ویژگی‌های به دست آمده از حرکات و گفتار آن عروسک و یا بر مبنای یک طرح ذهنی انجام می‌شود.

احمدی (۱۳۹۷) نام کتاب (فرهنگ تکم و تکمچی) شناخت و معرفی فرهنگ تکم و تکم‌گردانی در بین مردم استان اردبیل و معرفی آخرین بازماندگان این آیین سنتی و نمادین مردم اردبیل. در این کتاب محقق اشعار فولکلوریک مربوط به این عروسک و آیین سنتی آن را به صورت شفاهی از بین مردم اردبیل جمع‌آوری و تدوین کرده است.

احمدی (۱۴۰۰) نام کتاب (عروسک گلین بالا) در این کتاب محقق با تیم تحقیقات میدانی مطالعه موردی و تحلیل و تفسیر مردم‌شناختی بازتاب فرهنگی قصه یک عروسک در زندگی اجتماعی مردم آلوارس انجام داده است. داده‌ها و اطلاعات این کتاب در خصوص عروسک گلین بالا کامل می‌باشد که در خصوص افسانه‌ها و قصه‌های این آداب و رسوم خاص بین مردم اردبیل بحث و گفتگو شده است.

محمدزاده صدیق (۱۳۸۸) نام کتاب (هفت مقاله پیرامون فولکلور و ادبیات مردم آذربایجان) در این کتاب

به معرفی و شناسایی آیین و نمادهای سنتی مردم آذربایجان و معرفی یکی از مناسک آیینی و سنتی مردم اردبیل با استفاده از فرهنگ عروسک و عروسک گردانی به نام چؤمچه خاتین با تکیه بر آیین و مناسک باران خواهی مردم استان اردبیل و مناطق دیگر آذربایجان پرداخته شده است.

نادری (۱۳۷۴) نام کتاب (سیر نمایش در اردبیل) در این کتاب اولویت پرداختن به تاریخ سیر نمایش و تحولات فرهنگی و اجتماعی آن در بین مردم اردبیل و اشاره به عروسک های نمادین و آیینی که در مراسمات و نمایش های فرهنگی در آیین های خاص فرهنگی به کار گرفته می شد. معرفی پیشینه عروسک نمادین تکم و پرداختن به آیین تکمچی که صفتی است که توسط مردم اردبیل برای تکم گردان داده می شود.

بنی اف (۱۳۸۶) نام کتاب (چهارشنبه سوری در آذربایجان) ترجمه یونس وحدتی هلان این کتاب تحقیق میدانی در خصوص آیین و مناسک چهارشنبه های آخرین ماه سال و آداب مخصوص هر چهارشنبه نزد مردم مناطق مختلف آذربایجان می باشد که نویسنده در خصوص بعضی از عروسک ها و آیین عروسک گردانی در ایام بخصوص نزد مردم آذربایجان بحث و گفتگو کرده است.

نظری (۱۳۹۵) نام کتاب (هویت اردبیل قدیم) در این کتاب اطلاعات و داده های خوبی در خصوص تصاویر و آداب و مناسک عروسک های نمادین و سنتی مردم اردبیل ثبت شده است هرچند مطالب مکتوب قابل استفاده زیادی در این خصوص جمع آوری نشده اما تصاویر و اسناد مربوط به برخی از این آیین های سنتی و نمادین تا حدودی در این کتاب به یادگار ثبت گردیده است. در خصوص پیشینه پژوهش در حوزه مطالعات خارجی هم می توان به چند اثر مکتوب مشهور اشاره کرد:

Dazhmet (2009) Book Name (jokgu oiqouz mashapalari):

داژممت (۲۰۰۹) نام کتاب (جوگکو ئوئوغوز مه شره پلری) در این کتاب پژوهشی که محقق در بین مردم ترک زبان اوغوز چین تحقیق و مصاحبه انجام داده در خصوص انواع مراسمات آیینی و نمادین این مردم مطالبی دقیق ثبت و ضبط کرده است. همچنین مطالب دقیقی در خصوص عروسک های آیینی و نمادین مشترک ترکان باستان در این کتاب گردآوری شده است که با برخی از عروسک های آیینی مردم اردبیل مشترکات فرهنگی می تواند داشته باشد.

Holly Black (2018) book name (Doll's Bones):

هالی بلک (۱۳۹۸) نام کتاب (استخوان های عروسک) کتاب استخوان های عروسک، برنده جایزه نیوبری که به قلم هالی بلک نوشته شده، ماجرای دوستی دو دختر و یک پسر مدرسه ای را به تصویر می کشد که در بازی های خیالی خود غرق شده اند. در این میان وجود عروسکی که از استخوان ساخته شده، آن ها را وارد یک ماجراجویی شگفت انگیز و پرهیاهو می کند.

Ved Prakash Chawla (2017) Name of the book (Magic Dolls);

ود پراکاش چاولا (۱۳۹۷) نام کتاب (عروسک‌های جادویی) درباره‌ی پیرمرد عروسک‌سازی به نام آلبرت است که از خاک اره عروسک و اسباب‌بازی درست می‌کند، اما بچه‌ها عروسک‌های او را دوست نداشتند. عروسک‌های آلبرت خیلی زشت و کج و کوله بودند و آلبرت از این موضوع بسیار غمگین بود. یک روز فرشته‌ی مهربون که ناراحتی آلبرت را دید، تصمیم گرفت تا به او کمک کند. فرشته‌ی مهربان با نیروی جادویی‌ش کاری کرد که عروسک‌های او بسیار زیبا شدند.

مطالعه و جمع‌بندی پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که عنصر عروسک و سازندگان آنها در زندگی اجتماعی انسان گذشته و مدرن دنیا کارکرد فرهنگی عمیقی داشته و دارد. این کارکرد خودش را در قالب تعلیم و تربیت و تمرین مسئولیت‌پذیری کودکان در آینده خودش را به خوبی نشان می‌دهد.

۴. چارچوب نظری پژوهش

در خصوص چارچوب نظری این پژوهش می‌توان اشاره کرد: برخی عقیده دارند که انسان‌شناسی نمادین و تفسیری همان انسان‌شناسی دینی است و برخی عم‌عکس این تعریف را دارند. با این وجود مرزبندی دقیقی میان این دو نمی‌توان ترسیم کرد چرا که انسان‌شناسی نمادین و تفسیری دنباله منطقی انسان‌شناسی دینی است. در تحول انسان‌شناسی دینی با تأثیر اندیشمندانی چون اشتراوس، بار اسطوره‌ای آن تقویت و بار ساختاری آن کاهش پیدا کرده و در نتیجه انسان‌شناسی نمادین و تفسیری به وجود آمد که بارت، گیرتز و ترنر از سرآمدن این مکتب به حساب می‌آیند (فکوهی، ۱۳۹۲: ۲۵۶).

استفاده از مکتب ساختارگرایی^۱ به همان صورت که در کارکردگرایی با یک کل، اجزای تشکیل دهنده آن و رابطه خاص آن اجزا با یکدیگر و با کل روبه‌رو بودیم؛ در اینجا نیز با یک نظام ساختمند، اجزای آن و روابط ساختاری روبه‌رو هستیم. در واقع کارکرد یعنی ساختاری پویا شده، و ساختار یعنی شکل ایستای یک کارگرد. در کارکردگرایی، پدیده به عنوان جزئی از یک فرایند درک می‌شود یا بهتر بگوییم به عنوان یک حرکت در فضا؛ و در ساختارگرایی به عنوان جزئی از یک شکل یا یک واقعیت در فضا. اما در هر دو نظریه، درک شکل بدون توجه به کارکرد و درک کارکرد بدون توجه به شکل ممکن نیست. مفهوم ساختار در ابتدا به معنی ساختار برونی است، یعنی شکلی قابل رویت و مشاهده مستقیم. اما این مفهوم به تدریج به ساختار درونی نیز تعمیم می‌یابد. ساختار درونی برخلاف ساختار برونی مستقیماً قابل مشاهده نیست، بلکه صرفاً از طریق پیامدها و نتایج آن درک می‌شود (فکوهی، ۱۳۹۲: ۱۷۳-۱۷۲).

ساختار نژادی و قومی: تشابه اقوام ترک زبان آذربایجان و دیگر نقاط ایران از جمله ترکان قشقایی، خراسانی و ترکان ترکمن و... و نیز اقوام ترک زبان کشورهای منطقه قفقاز و دیگر کشورهای ترک زبان در بحث عروسک‌ها خصوصاً عروسک‌های آیینی و سنتی، بسیار قوی و نزدیک به هم هستند که در

^۱ - Stucturalism

بحث ساختار محتوا و فرم ظاهری کاملاً مشهود و آشکار است. برای نمونه در پوشش عروسک‌ها تشابهات عمیق بین پوشاک زنان عشایر شاهسون با زنان عشایر قشقایی و ترکمن و... دیده می‌شود. ساختار اقلیمی: طراحی و ساختار سنتی عروسک‌های این مناطق و نیز جنس اولیه آنها، سهولت زیست با لباس در اقلیم روستائین این مناطق را در عین تحقق پوشش اسلامی فراهم می‌کرده است. اقلیم دشتی و کوهستانی دامنه ساوالان اردبیل سبب شده است که بیشتر زنان از پوشاک پنبه‌ای و پشمی استفاده کنند. گشادی و بلندی لباس در کنار نازکی و کلفتی پنبه‌ها و پشم‌های لباس‌ها موجب تنظیم دمای بدن در هوای معتدل و سرد کوهستانی می‌گردد. برای مثال یاشماق که نوعی روبند در بین زنان این مناطق است پوست صورت آنها را در گرمای دشت مغان و سرمای دامنه ساوالان حفظ می‌کند. ساختار لباس‌ها و تزئینات عروسک‌ها اگر چه به عوامل مختلف فرهنگی بستگی دارد، اما بیش از همه خود را با اقلیم خاص مردم دامنه کوه ساوالان تطبیق داده است. رنگ قرمز، زرد، بنفش و... که رنگ‌های گرم به حساب می‌آیند در نقوش لباس زنان و مردان این منطقه خود را بیشتر نشان می‌دهد.

ساختار نمادین فرهنگی: تنوع فرهنگی اقوام مختلف ساکن استان اردبیل در نوع عروسک‌های این مناطق تأثیر گذاشته است. آیین و باورهای اقوام و طوایف مختلف شاهسون‌ها در این مناطق بر پوشاک سنتی و تزئینات آیینی عروسک‌ها تأثیر عمیق گذاشته است. علاوه بر این عوامل تأثیرپذیری این مناطق از فرهنگ اقوام استان‌ها دیگر و کشورهای همجوار بسیار مهم است. از آنجا که استان اردبیل مرز مشترک با کشور جمهوری آذربایجان دارد و مشترکات قومی، زبانی، فرهنگی و حتی اقلیمی با مردم این کشور باعث تأثیرپذیری و حتی تأثیرگذاری در فرم لباس‌های عروسک‌های این مناطق شده است. علاوه بر فرم لباس و رنگ عروسک‌ها و استفاده از رنگ‌ها مختلف که همگی الهام از طبیعت زیبای منطقه خودشان می‌باشد، نشانگر تأثیرپذیری از دین‌های باستانی قبل از اسلام این منطقه است. برای مثال استفاده از عناصر طبیعت مانند گل و گیاه و نقوش حیوانات اهلی و وحشی این منطقه نشان دهنده باورهای شامانیسم در این منطقه است و نیز استفاده بیشتر از رنگ سرخ به باور آتش مقدس در بین زرتشتیان این مناطق نیز برمی‌گردد. گذشته از شرایط اقلیمی، لباس‌های سنتی این عروسک‌ها در اغلب قطعات، گشاد و بلند طراحی شده‌اند تا حافظ پوشانندگی مطلوب منطبق بر موازین اسلامی نیز باشد.

۵. روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش متکی بر تحلیل میدانی است. در این پژوهش تمام داده‌ها توسط مصاحبه با افرادی اهل فن این دانش بومی که قبل از شروع تحقیق میدانی شناسایی و برای نمونه‌گیری انتخاب شده بودند، جمع‌آوری شده، این مصاحبه‌ها اغلب به شکل مصاحبه مشارکتی گردآوری و تدوین شده است. زمان صرف شده برای مصاحبه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها یک دو سال زمان به خودش اختصاص داده است

که این زمان بدون در نظر گرفتن مقدمات و جمع‌بندی نهایی تحقیق می‌باشد. مکان مصاحبه‌ها هم اغلب در محل کار اساتید این هنرهای سنتی انجام گرفته است. روش این تحقیق کاملاً کیفی است و از روش میدانی مشاهده مشارکتی به‌رمند شده‌ایم. بر این اساس در این تحقیق در سدد اثبات نظری نبوده بلکه مانند مترجمی کارکرد نمادین عروسک‌های سنتی و نمادین و بازتاب روایت آن در فرهنگ مردم استان اردبیل را از منظر معانی و نماد مورد تحلیل مردم‌شناسی قرار دادایم.

ژان پواریه^۱ با اشاره به پیشینه ژراندو، اصول روش مشاهده مشارکتی را در این موارد بر می‌شمارد: پژوهشگر باید تمامی پیش‌داوری‌های خود را کنار بگذارد و حتی زمینه‌های شناخت ذهنی خود از مفاهیم را نیز نادیده انگارد. بر اساس این اصل به عنوان پژوهشگران این مقاله اطلاعات و تحقیقات گذشته را از میدان تحقیق کنار گذاشته و به عنوان پژوهشگرانی که برای اولین بار وارد این میدان تحقیق می‌گردند با مسئله تحقیق رو برو شدیم تا هیچ گونه ذهنیت و پیش‌داوری قبلی در روند جمع‌آوری اطلاعات گریبان‌گیر دامن تحقیق نگردد.

پژوهشگر باید تلاش کند با آموختن زبان مردم و مشارکت در زندگی روزمره آنها، از سوی آنها پذیرفته شود و به فردی از جماعت آنها تبدیل شود. بر اساس این اصل به خاطر زبان مادری مشترک با افراد و مردم میدان تحقیق و همچنین وارد بودن به لهجه‌های مناطق مختلف تحقیق و مشارکت در زندگی روزمره این مردم به خاطر سفرهای زیاد و اقامت طولانی در این مناطق باعث شده بود که از سوی افراد جامع خصوصاً افرادی که برای مصاحبه انتخاب کرده بودیم پذیرفته شویم.

پژوهشگر باید با دقت تمام مشاهدات خود را در عمل یادداشت کند. بر اساس این اصل تمام مشاهدات خودمان را در میدان تحقیق به دقت یادداشت‌برداری می‌کردیم. این یادداشت هم به صورت مکتوب انجام می‌گرفت و هم به صورت دیجیتالی به عبارتی تمام مشاهدات میدان تحقیق را روی دفترچه یادداشت به صورت تیتروار یادداشت و از طرفی هم این مشاهدات را با ابزار ضبط و دوربین عکاسی و فیلم‌برداری ثبت می‌کردیم.

پژوهشگر باید رده‌های گوناگون واقعیت را دریابد: پنداشت‌ها، رسوم، منشور گروه، عملکرد و... بر اساس این اصل به خاطر حضور طولانی مدت در میدان تحقیق واقعیت‌های زندگی اجتماعی و روزمره آنها را کاملاً می‌شناختیم و به رسوم، تفکرات و اندیشه‌های اجتماعی و جنسیتی آنها شناخت کافی داشتیم و سعی می‌کردیم تمام این واقعیت‌ها را مثل خودشان جدی بگیریم.

در بخش نمونه‌گیری از روش اشباع نظری^۲ استفاده شده است. برخلاف روش‌های نمونه‌گیری احتمالی

^۱- pOIRIER 1968

^۲- Theoretical saturation

که در آنها هدف تعمیم نتایج از یک نمونه معرف جامعه به کل جامعه مورد پژوهش است در پژوهش‌های کیفی چنین هدفی مدنظر نیست و معیار توصیف یا تبیین یک پدیده به مشروح‌ترین شکل ممکن است. بنابراین معیاری معرفی می‌شود که در آن رسیدن به حداکثر اطلاعات در مورد پدیده به عنوان نقطه پایان درنظر گرفته می‌شود. این معیار در زمینه پژوهش‌های کیفی، اشباع نامیده می‌شود. اشباع داده یا اشباع نظری رویکردی است که در پژوهش‌های کیفی برای تعیین کفایت نمونه‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. اشباع‌نظری با نمونه‌گیری نظری که در تئوری زمینه‌ای یا داده بنیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد ارتباط نزدیک‌تری دارد.

بر این اساس با تیم تحقیق وارد میدان تحقیق شده و در ساخت عروسک‌های نمادین مشارکت حضوری و فعال داشته و مصاحبه شونده‌ها را هم از بین آنها انتخاب و داده‌ها و اطلاعات لازم را جمع‌آوری کرده‌ایم. لازم به ذکر است به خاطر رعایت متد علمی و پژوهشی تحقیقات مردم‌شناختی، اول زبان اورجینال^۱ روایت‌ها و اشعار فولکلوریک منتسب به عروسک‌ها که به زبان ترکی آذربایجانی است، عیناً نوشته و برای فهم عموم و تحلیل و تفسیر مردم‌شناختی آن، آن را به زبان فارسی ترجمه کرده‌ایم. محدودیت‌های پژوهشی این مقاله با محدودیت‌های سیستماتیک مقالات پژوهشی و دانشگاهی یکسان است، مگر در موارد خاصی چون مطالعه جامعه تقریباً فراموش شده که امروزه اغلب هم در قید حیات نیستند، چرا که این گروه جامعه تقریباً فوت شده‌اند و اندک افرادی که باقی مانده‌اند به خاطر کهولت سنی بالا مثل مردم عادی نمی‌توانستند مصاحبه‌های وقت آزاد و بدون محدودیت زمانی داشته باشند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق میدانی عبارتند از: دوربین فیلم‌برداری - دوربین عکاسی - دستگاه ضبط صدا و مصاحبه - فیش برداری و دفترچه یادداشت.

۶. موقعیت جغرافیایی استان اردبیل

استان اردبیل در منطقه آذربایجان واقع شده است. این استان از شمال به جمهوری آذربایجان، از سمت غرب به استان آذربایجان شرقی، از سمت شرق به استان گیلان و از سمت جنوب به استان زنجان محدود شده است. استان اردبیل، طبق آخرین تقسیمات کشوری، از ۱۱ شهرستان، ۲۹ بخش، ۲۶ شهر و ۶۶ دهستان تشکیل یافته است. استان اردبیل قبلاً یکی از شهرستان‌های بزرگ استان آذربایجان شرقی بود که بعداً به علت درخواست مردم اردبیل تبدیل به استان شد. استان اردبیل یکی از استان‌های ایران به مرکزیت شهر اردبیل می‌باشد که در منطقه آذربایجان واقع شده است. مساحت این استان ۱۷۹۵۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر یک میلیون و ۲۴۹ هزار نفر می‌باشد. این استان بر طبق آخرین تقسیمات کشوری شامل ۱۲ شهرستان، ۲۵ بخش، ۲۱ شهر و ۶۶ دهستان

^۱ - original

می‌شود. این استان در ۲۳ فروردین سال ۱۳۷۲ از استان آذربایجان شرقی جدا و به استانی مستقل تبدیل شد. جمعیت استان براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر یک میلیون و ۲۴۹ هزار نفر است که غالب آنان به فعالیت های کشاورزی، دامداری و خدمات دولتی مشغول هستند. استان اردبیل محل زیست و کوچ طایفه‌های عشایر شاهسون (شاهسون) است که شیوه زیست آنها خود جلوه‌های ویژه‌ای ایجاد کرده است (علیزاده، ۱۳۹۷: ۸). شهر اردبیل^۱ که قرن‌های متمادی مرکز آذربایجان و مدتی پایتخت ایران بوده است، که به قول جغرافیایانویسان در ۳۸ درجه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۲ دقیقه طول شرقی گرینویچ قرار دارد. این شهر در فلات دایره شکلی، در جنوب غربی دریای خزر و بین دو رشته کوه ساوالان (سبلان) و طالش (باغرو) واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۶۳ متر است (صفری، ۱۳۷۰: ۱). اردبیل در شمال شرقی آذربایجان شرقی در منطقه‌ای سردسیر واقع شده است و در حدود ۴۸۶۱ کیلومتر مربع مساحت دارد. از جانب شمال به مشکین شهر و مرز ایران و جمهوری آذربایجان و از شرق به شهرستان آستارا و طالش و از جنوب به شهرستان خلخال و میانه و از مغرب به شهرستان سراب و مشکین شهر محدود است (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۲). اردبیل نام یکی از کلان شهرهای کشور و مرکز شهرستان و استان اردبیل است. از شمال به خاک جمهوری آذربایجان، از شرق به کوه‌های باغرو، استان گیلان و دریای خزر، از غرب به رشته کوه ساوالان. آذربایجان شرقی، از جنوب به استان زنجان و آذربایجان شرقی ختم می‌گردد (جدی، ۱۳۹۹: ۲۶).

۷. یافته‌های پژوهش

۷.۱. عروسک گلین‌بالا

گلین‌بالا^۲: عروس. عروسک. زیبا. مانند عروسک. گلین باجی^۳: خطابی برای عروس خانم کوچک از طرف خویشاوندش. گلینجیک^۴: عروسک کوچک. عروسک (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۸۹۰). در زبان ادبی ترکی آذربایجان آن را قولچاق می‌گویند. قولچاق^۵: عروسک. صورتی که دخترکان ساخته و آن را آرایش کنند. اشکال و تمثال‌هایی که شب‌بازان از پس پرده ظاهر می‌سازند (همان: ۸۰۱). البته با این تفاوت که قولچاق معنای عام دارد و تمام عروسک‌های سنتی مردم آذربایجان را شامل می‌شود، اما گلین‌بالا نسبت به قولچاق معنی خاص‌تری دارد.

^۱- Ərdəbil

^۲- Gəlin Bala

^۳- Gəlin bacı

^۴- Gəlinçik

^۵- Qolçaq

عروسک گلین‌بالا تقریباً در اکثر شهرها و روستاهای آذربایجان ایران و حتی کشور جمهوری آذربایجان توسط زنان و دختران ساخته می‌شد. البته هنوز هم هر چند بسیار اندک، اما باز در مناطق خاص ساخته می‌شود. هر منطقه با توجه به فرهنگ خاص و اقلیم جغرافیایی خاص خود نحوه ساخت ویژه‌ای نسبت به مناطق دیگر دارد. در این مقاله به نحوه ساخت این عروسک نمادین در یکی از روستاهای استان اردبیل، شهرستان سرعین به نام «آلوارس» اختصاصاً پرداخته می‌شود. زنان و دختران این روستا کوه‌نشین برای ساخت عروسک گلین‌بالا دوازده مرحله تعریف کرده‌اند که عبارتند از:

انتخاب قطعه چوب مناسب که جنس چوب عموماً از درخت توت یا چنار انتخاب می‌شد - پوشش قطعه چوب که با تکه‌های پارچه‌های دورریز این کار را انجام می‌دادند - شکل دادن سر عروسک با استفاده از یک سکه فلزی - شکل دادن صورت عروسک - شکل دادن پوست صورت عروسک با قطعه پارچه سفید نخی - شکل دادن چشم نمادین عروسک با نخ سیاه رنگ که تداعی کننده ابروهای انسان است - تومانی دوزی عروسک با استفاده از الگوی تومانی زنان روستا - کؤینک دوزی عروسک با استفاده از الگوی کؤینک زنان روستا - تناسب دادن تومانی و کؤینک هم از نظر فرمی و هم از نظر رنگ و شکل ظاهری - بستن یاللیق عروسک با استفاده از الگوی آیین یا یلیق بستن زنان روستا - بستن سربند عروسک با استفاده از الگوی آیین شده بستن زنان روستا - بستن یاشماق عروسک با استفاده از الگوی آیین یا شماق بستن زنان روستا (سلمی‌ناز: مصاحبه).



تصویر شماره (۱): نمونه کامل از عروسک‌های گلین‌بالا ساخت زنان و دختران آلوارس (عکاس: پژوهشگر، ۱۳۹۹).

در لایه‌های اجتماعی ساختار این عروسک‌های سنتی و آیینی قصه‌ها و افسانه‌هایی به زبان بومی بین مردم این مناطق مطرح می‌گردد که ریشه این قصه‌ها و افسانه‌ها از گذشته‌های دور به صورت سینه به

سینه به نسل معاصر از طریق ساخت، نگهداری و فرهنگ استفاده از این عروسک‌های سنتی رسیده است که برای نمونه به چند خطی از این افسانه و قصه قدیمی با عنوان «**گلین بالا ناغیلی**» به معنی (قصه گلین بالا) که بین مردم مناطق مختلف اردبیل رایج است اشاره می‌کنیم:

«منیم آدیم گلین بالا آنجاق سارای دئییرلر. ایستیرم سیزه اؤزومدن باهاردان بیر ناغیل دییم. بیر عده دئییر بو ناغیل افسانه‌دیر، آما ایستیرم منیم یاشاییشیمی سئوسیز. باهار منیم دوستومدو یانی کی من اونون قولچاغییم. اودا منه بیر باجی دیر. بیزیم ناغیلیمیز اوردان باشلاندی کی هله باهار دوغولما میشدی... اوچا اوچا قونشونون اینه‌یینین یانینا چاتیدق. دانیشیغا باشلادیق. هاوا قارالدی. آتین سسی گلدی. اینه‌یین یانیندان ائوه قایتیدق. بیز یئتیشن، صفار، باهار، شاه‌بی‌یم و صفوره خانیمدا ائوه یئتیشدیلر. یئتددی ایل بئل سوشدو. باهار مکتبه گتتدی، صفار ایله صفوره محبتلی یاشادیلار. اؤزلری بیر اینک آلدیلار. باهار اونون آدینی «قیزیل سوت» قویدو. هر گون باهار منی قوجاغینا گؤتوروب قیزیل سوتون یانینا آپاریردی...»

برای چنین قصه‌هایی نمی‌توان زمان و مکان خاصی در نظر گرفت چرا که شکل‌گیری چنین قصه‌هایی ریشه در اسطوره‌ها و افسانه‌های قدیمی دارد. از طرفی هم خاص یک منطقه و مردم خاص نیست. در این قسمت از منطق مکتب اشاعه‌گرایی هم می‌توان مدد گرفت که به موجب این نظریه مردم‌شناختی رد و پای این قصه‌های فولکلوریک قدیمی را در اغلب قصه‌های کهن تمدن‌های قدیمی خاورمیانه، حتی مصر و یونان باستان می‌بینیم. به عبارتی تنها مطرح شدن یک قصه در زمان و مکان خاص دلیل مالکیت آن منطقه به قصه نیست، اما می‌تواند لحن و رنگ و ساختار بومی یک منطقه را در زمان خاصی به خود بگیرد. در این حالت می‌توان برای یک قصه شناسنامه خاصی صادر است. شرایط فرهنگی، وجود باورها، آیین‌ها، رسوم خاص مردم داخل قصه نشانگر تعلقات خاص این قصه به یک منطقه جغرافیایی با فرهنگ خاص خوشان است. انتخاب نامها در این قصه اتفاقی و سلیقه‌ای نیست هر چند نام‌های غیر بومی هم در قصه مطرح هستند که همه از قراردادهای تاریخی و اجتماعی مردم این مناطق سرچشمه می‌گیرند. ایجاد ارتباط عاطفی قوی بین انسان و حیوان، اشیائی مثل انواع اسباب‌بازی‌ها و عروسک‌ها در علم روان‌شناختی قابل مطالعه است. اما سخن گفت این عناصر در افسانه‌ها و داستان‌ها مکرر دیده می‌شود. که امروز انسان‌ها از این پدیده اسطوره‌ای در صنعت سینما و کارتون بسیار بهرمند می‌شوند. این مسئله هرچند در واقعیت اتفاق نمی‌افتد، اما برقراری ارتباط انسانی بین این پدیده‌ها می‌تواند در بین مردم تفسیر و تحلیل‌های مختلفی نسبت به فرهنگ‌ها داشته باشد.



تصویر شماره (۲): پژوهشگر در جمع دختران روستای آلوارس که به طراح و سازنده عروسک گلین هستند (عکاس: زهرا آقازاده همراه پژوهشگر). ۱۳۹۸.

۷. عروسک چۆمچه خاتین

چۆمچه خاتین^۱: عروسک نمادین با کارکرد نمادین که در مراسم باران خواهی مردم بیشتر مناطق آذربایجان خصوصاً مناطق روستایی اردبیل کاربرد داشته و هنوز هم در برخی از روستاهای سنتی دارد. مراسم باران خواهی. در برخی نقاط آذربایجان در هنگام برپایی آن، قاشقی چوبی را که بر سر آن پارچه‌ای پیچیده‌اند تا به یاد آورنده جنس مؤنث باشد و به شکل خاتونی جلوه نماید، در برابر شرکت کنندگان در این آیین سستی می‌گیرند. عده زیادی از کودکان و نوجوانان در این مراسم شرکت می‌کنند و در حالی که به طور دسته جمعی حرکت می‌نمایند، اشعار باران خواهی سر می‌دهند. برخی نیز بر طبل و دهل می‌کوبند و گویا می‌خواهند اعلام عمومی دهند و همه را به برپایی این مراسم متوجه نمایند. آنها خانه به خانه می‌گردند و از هر دری انعامی می‌گیرند. معمولاً این انعام شامل وسائل مورد نیاز برای پخت یک آش است چرا که در پایان این مراسم قرار است با آن هدایا آش باران پخته شود. پس از این که برگزار کنندگان کار خود را در کوچه پس کوچه‌ها تمام نمودند، به یکی از بلندی‌های اطراف می‌روند تا مشغول تهیه آش باران شوند. آش در دیگی پخته می‌شود و کودکان و نوجوانان مراسم چۆمچه خاتین گرد آن حلقه می‌زنند و همه انتظار می‌کشند. انتظار این دسته شامل دو چیز است: اول این که آش باران بپزد و دوم و مهم‌تر اینکه باران ببارد چرا که اگر بارانی نبارد، هیچ کس لب به آن آش نمی‌زند و آش درون دیگ را از همان بلندی بر روی زمین می‌ریزند. اما اگر بعد از ساعت‌ها چشم دوختن کودکان معصوم به آسمان، باران بارید، همگی با شور و حال وصف ناپذیری از آن آش می‌خورند و پروردگار را شکر می‌کنند.

^۱- Çömçe xatın

این عروسک نمادین برای آیین و مراسم باران‌خواهی تهیه و درست می‌شد. نحوه ساخت عروسک این گونه بود که سر یک ملاغه یا چمچه بزرگ را با شال سرخ رنگ می‌پوشاندند طوری که تقریباً چوب چمچه دیده نمی‌شد. این عروسک در دست یک پیرزن معتمد روستا قرار می‌گرفت و بچه‌های روستا به صورت نمادین با انگیزه شادی و بازی پشت سر او راه می‌افتادند و هر چه آن پیرزن می‌گفت و می‌سرود، بچه‌ها آن را تکرار می‌کردند. عروسک به در هر خانه روستا که می‌رسید شعر «چمچه خاتین» را می‌خواند. اهل خانه با آوردن آب آشامیدنی و پای (شادباش) به عروسک گردان، آب را به سر عروسک چمچه خاتین می‌پاشید و شادباش را به صاحب عروسک می‌داد و از خداوند طلب باران می‌کرد. این مراسم آیینی بعدها در روستاهای اردبیل با طوق و علم دستجات عزاداری امام حسین ادامه پیدا کرد که هنوز هم در برخی از روستاهای مناطق اردبیل به صورت نمادین اجرا می‌گردد (قیزخانیم: مصاحبه). در هنگام کم بارانی و بی بارانی مراسم چمچه خاتین انجام می‌گیرد، به در خانه‌ها می‌روند و این شعرها را می‌خوانند:

چمچه خاتین نه ایستر؟ / شیرها شیر یاغیش ایستر / الی قولو خمیرده / بیرجه قاشیق سو ایستر / چاخ داشی، چاخماق داشی / یاندی اوره گیم باشی / آلاسه بیر یاغیش گوئندر / گویرتسین داغی داشی / آلاداغین بولودو / یتیم‌لرین اومودو / آلاسه بیر یاغیش گوئندر / آریا بوغدا قورودو

ترجمه:

چمچه خاتون چه می‌خواهد؟ / باران تند می‌خواهد / دست و بازویش توی خمیر است / و یک قاشق فقط یک قاشق باران می‌خواهد / سنگ را بزن، سنگ چخماق را بزن / سر دلم سوخت / خدایا بارانی بفرست / که کوه و کمر را برویاند / ای کوه سرخ گون بزرگ / امید یتیمان / گندم و جو خشکیده / خدایا باران بفرست (صدیق، ۱۳۸۸: ۵۴).



تصویر شماره (۳): نمونه بازآفرینی شده عروسک چۆمچه خاتین توسط پژوهشگر (عکاس: پژوهشگر. ۱۴۰۰).

۳.۷ عروسک دودو

دودو^۱: نوعی بازی که از ملاغه و چۆمچه (چمچه) هم استفاده می کردند (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۵۷۱). دودو عروسک نمادین و آیینی مردم آذربایجان به حساب می آید که کاربرد نوعی بازی و سرگرمی هم داشت. به عبارتی این نمایش نمادین سرگرمی برای بچه ها و آیین برای بزرگ ترها به حساب می آمد. نحوه درست کردن آن به این شکل بود که دو ملاقه یا چمچه را رو در روی هم قرار می دادند. روی سر این دو چمچه پارچه سرخ رنگ که معمولاً از شال زنانه استفاده می کردند را می پوشاندند و گردن این چمچه ها را با طناب محکم به هم وصل می کردند تا در هنگام گردش و نمایش در کوچه ها ثابت در جای خودشان باقی بمانند (صوبح ناز: مصاحبه).

نوع کارکرد این عروسک نمادین برعکس کارکرد عروسک چۆمچه خاتین است. به عبارتی این عروسک را زمانی در کوچه و بازار روستا می چرخاندند که چند روز پشت سر هم باران می بارید. این امر زندگی روزمره را برای اهالی روستا تنگ می کرد و از طرفی هم چون بام خانه ها گلی بود با رسوخ آب باران به داخل گل زخیم، آب باران به داخل خانه ها و انبارهای آذوقه چکه می کرد و این امر زندگی اهالی را با مشکلات فراوان روبرو می کرد. برای همین اهالی با درست کردن چنین عروسک های نمادین آن را به کمک زنان معتمد روستا و بچه های معصوم در سراسر روستا و در کوچه و پس کوچه می گرداندند و از خداوند می خواستند که باران هر چه زودتر بند بیاید. این مراسم آیینی بعدها بین مردم اردبیل با برداشتن

^۱ - Dodo

طوق و علم امام حسین و دعا‌های مذهبی ادامه پیدا کرد طوری که امروزه هم در برخی از روستاها همین آیین را ادامه می‌دهند (جئیران: مصاحبه).

در اجرای مراسم عروسک گردانی دودو وقتی به در خانه‌های می‌رسیدند شعر می‌خواندند و اهل خانه هم برای قبولی خواسته آنها به عروسک گردان پای (صله) می‌داد. وقتی کوچه به کوچه و خانه به خانه روستا را می‌گشتند و عروسک گردانی می‌کردند از روستا خارج می‌شدند و اعتقاد داشتند وقتی پای خود را از روستا بیرون بگذارند حتماً باران قطع خواهد شد. به باور مصاحبه کنندگان که اغلب این مراسم را با چشم خودشان دیده‌اند، باران هم به محض خروج دودو از روستا قطع می‌شد (تازه خانیم: مصاحبه). از شعرهایی که در مناطق روستایی مختلف اردبیل برای این مراسم خوانده می‌شد عبارتند از:

دودو دودویا گل‌دیمی / دودویا سلام وثر دیمی / دودو کندن چیخاندان / هنج بیر گونو گۆردومی
ترجمه:

دودو دودویا آم‌دیم / به دودو سلام بدهید / دودو از روستا خارج بشود / آفتاب سرخ گون را خواهی دید.
وقتی که باران بیش از اندازه بیارد، باز با آداب یاد شده، این شعرهای را می‌خوانند:
گتیر گتیر ها گتیر گتیر / قیزیل قایا دیبندن / بیر قیرمیزی گون گتیر / کنچل قیزی قوی ائوده / ساچلی
قیزی گتیر گتیر ها گتیر گتیر / گونوم گندیب سو ایچمگه / آبی دونون دگیشمه‌گه / آدومان قاچ؛ قاچ /
سنی قایادان آسارلار / بونونا دامغا باسارلار / قارا تو یوغون قانادی / کیم ووردو کیم سانادی / گون
گتیرمگه گتیمیشدیم / ایت بالیریم دالادی / یاغ وئرین یاغلاماغا / ایپ وئرین باغلاماغا / وئرهنین اوغلو
اولسون / وئریمیه‌نین قیزی اولسون / بیر گۆزوده کور اولسون
ترجمه:

بیار بیار ها بیار بیار / از پای صخره سرخ / خورشیدی سرخ بیار / دختر کچل را توی خانه نگهدار / دختر
زرین گیسویت را بیار / خورشیدم رفته آب بخورد / پیرهن آبی‌اش را عوض کند / ای مه فرار کن / که
در صخره دارت می‌زنند / به گردنت طوق داغ می‌اندازند / بال مرغ سیاه / کی زد کی آن را شمرد / رفته
بودم خورشید را بیاورم / سگ گازم گرفت / روغن بدهید برای مالیدن به زخمم / طناب بدهید برای
بست زخمم / هر کس بدهد فرزند پسر به او بخشیده شود / و هر آن کس که ندهد دختر به او بخشیده
شود / دختری که یک چشمش هم کور باشد (صدیق، ۱۳۸۸: ۵۶).

آیین و رسم عروسک گردانی دودو چنان در فرهنگ عامه مناطق روستایی اردبیل تأثیر گذاشته که امروزه در ادبیات شفاهی این مردم به صورت ضرب‌المثل کاربرد دارد که در مقابل شخصی که عملی را مدام تکرار می‌کند می‌گویند: «دودو گز دیرمه، دودو دولاندیرما» و ترجمه آن یعنی: دودو گردانی نکن، دودو را به گردش در نیاور (تازه خانیم: مصاحبه).



تصویر شماره (۴): نمونه از عروسک چؤمچه خاتین در مراسم آیینی (عکاس: نامعلوم)

۷. عروسک بیچه

بیچه یا بیگچه^۱ بیگ کوچک (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۳۶۸). این واژه از بیگ یا بی^۲ گرفته شده است به معنی بزرگ. داماد. رئیس طایفه. امیر. لقب اعیان. بیگ. به صورت بای و در معنای ثروتمند و مالدار وارد زبان عربی شده است. فعل بای به معنای فخر فروخت، نیز وجود دارد (همان: ۳۶۷).

این عروسک نمادین عروسی است که مخصوص فرزندان پسر طراحی و ساخته می‌شود. گاهی هم این عروسک در مقابل عروسک گلین بالا که کاملاً عروسک دخترانه است ساخته و طراحی می‌گردد تا هم توازنی بین جنسیت و اسباب‌بازی در زندگی اجتماعی مردم برقرار شود و هم به وسیله این عروسک که نقش داماد را در آیین و نمادهای عروسی مردم این منطقه بازی می‌کند، کارکرد نمادینش را ایفا نمایند.

این عروسک برعکس عروسک گلین بالا که به دست زنان و دختران مردم این مناطق ساخته می‌شود، به دست پسران و مردان خانواده ساخته و طراحی می‌گردد. فرم ساخت این عروسک از نظر فرمی و ظاهری بسیار ساده و به دور از طراحی‌های الگو برداری شده از لباس سنتی زنان در عروسک گلین بالا می‌باشد. شاید این امر بعدها وقتی که مردان این مناطق پوشش سنتی خودشان را از دست دادند رواج پیدا کرده باشد. با این که در گذشته دور در این مناطق عروسک بیچه با لباس سنتی و برمی وجود داشته است، اما در دوران معاصر و امروزه شکل غالب طراحی این عروسک نمادین ساده و بدون لباس سنتی مردان این مناطق ساخته می‌شود. ابزار ساخت این عروسک عبارتند از: پارچه سفید نخی یا نمد سنتی که به دست مردم این مناطق خصوصاً عشایر شاهسئون تهیه و بافته می‌شود. پنبه یا خرده پارچه‌های دورریز

^۱- Bayça

^۲- Bay

غیرقابل استفاده. پارچه سیاه برای طراحی کلاه و جلیقه مردانه (محترم: مصاحبه).



تصویر شماره (۵): نمونه ای از عروسک بیچه به همراه گلین بالا ساخت مردم اردبیل (عکاس: پژوهشگر، ۱۴۰۰).

۵.۷ عروسک الخورتدی

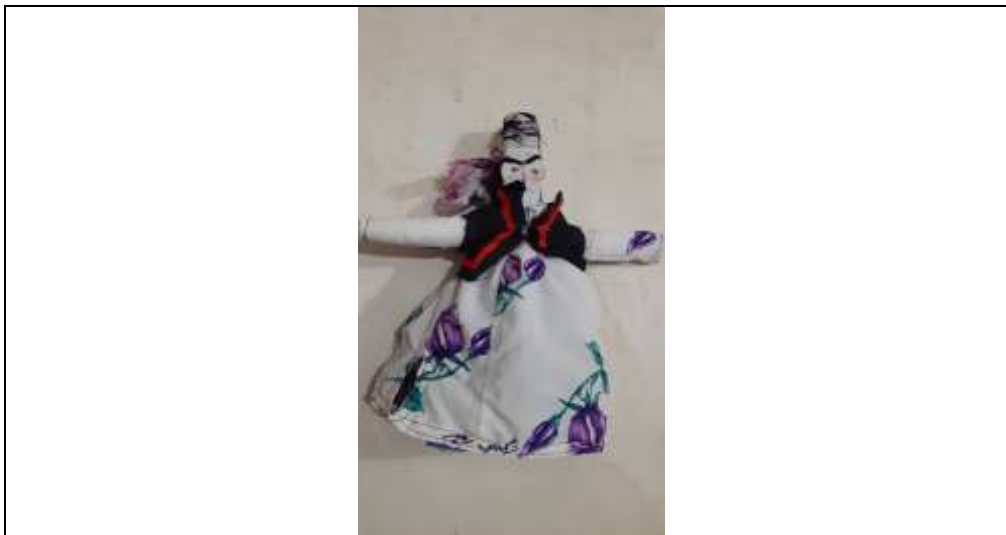
الخورتدادی^۱ که به مرور استعمال در زبان محاوره ترکی آذربایجانی به شکل الخورتدی^۲ درآمده است. الخورتدادی عروسک مؤنث است که ارتباط معنایی با کلمه «آل آروادی» دارد. آل آروادی^۳ دیو مؤنث که به زائو صدمه رساند. زنی سخت بی‌حیا و بد رفتار. در اصطلاح زنانه موجود نامرئی مانند جن و پری که هر گاه زن تازه زای در اتاق بماند، به او صدمه و آزار می‌رساند و وی را هلاک می‌کند. این موجود خیالی را به صورت زن لاغر اندام با بدن پوشیده از مو تصور می‌کردند و معتقد بودند که در شب ششم زایمان، بر بالین زائو می‌آید و جگر او را می‌برد و به این سبب زائو را تا وقتی به حمام نرفته، تنها نمی‌گذاشتند. جنی است به شکل انسان که از آهن می‌ترسد و اگر سوزن در بدنش فرو کنند، هر کاری را که بخواهند، انجام می‌دهد. گویا زنی بوده که پستان‌هایش را از روی شانه به پشت انداخته است. به زن زائو صدمه می‌زند. از این رو نزد زن زائو، سیخ تنور می‌گذاشتند و گاهی بر سر آن پیاز نیز می‌زدند. از روی کنایه به آدم بد ترکیب نیز گفته می‌شود (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

^۱ - Alxortdadi

^۲ - Əlxortdi

^۳ - Al arvadi

ساخت و طراحی این عروسک به جهت اشاره نمادین به موجود اسطوره‌ای و افسانه‌ای (آل) عجیب و ترسناک‌تر از بقیه عروسک‌ها می‌باشد. این عروسک در یک نوع بازی آیینی و نمادینی که بچه‌ها در محله‌های خود انجام می‌دادند، شرکت داده می‌شد. در این بازی بچه‌های دختر و پسر به دو گروه معمولاً مختلط تقسیم می‌شوند و این عروسک را مانند تویی در وسط نگه می‌دارند که هر گروه با به دست داشتن این عروسک و نگهداری آن در بین گروه خود برترییت گروه و برنده شدن گروه را تضمین می‌نماید. در قدیم رقابت این دو گروه در حفظ این عروسک در جمع خودشان با ترانه و شعرهای فولکلوریک همراه بوده که متأسفانه با گذشت زمان و فراموشی این بازی نمادین این ترانه‌ها و اشعار هم از ذهن اکثر افراد پاک شده است. در رنگ صورت این عروسک از رنگ قرمز استفاده می‌شد تا نشان دهنده شباهت این عروسک به موجود افسانه‌ای و اسطوره‌ای آل در دامنه ساوالان باشد. ابزار ساخت عروسک الخورتدی عبارت است از: پارچه‌های رنگی مختلف، قطعه چوب از جنس گردو یا توت، سوزن و نخ، سکه یا دکمه چوبی یا فلزی. شکل و فرم ساخت این عروسک شبیه عروسک گلین‌بالا است فقط در نحوه آرایش صورت و فرم قرار گرفتن دست با عروسک گلین بالا متفاوت می‌باشد. فرم قرار گرفتن دستان این عروسک به طرفین به خاطر نگهداری بچه‌های در هنگام بازی و پرت کردن و گرفتن عروسک در حین بازی بوده است (قیزخانیم: مصاحبه).



تصویر شماره (۶): نمونه‌ای از عروسک الخورتدی ساخت مردم آلی مشکین شهر (عکاس: پژوهشگر، ۱۴۰۰).

۶.۷ عروسک تکم

تکم^۱ عروسک نمادین و اسطوره‌ای مناطق آذربایجان است که جنس آن از چوب است. پاهای این عروسک متحرک است که روی صفحه چوبی که اغلب به شکل دایره است به وسیله اهرمی که از وسط دایره به زیر شکم عروسک وصل است، توسط تکمچی به رقص درمی‌آید. تکمچی با دست چپ خود پایه ثابت زیر صفحه چوبی را گرفته و با دست راست اهرم متحرک چوبی را به حرکت وا می‌دارد. با به حرکت درآوردن عروسک روی صفحه چوبی تکمچی شروع به خواندن شعر می‌کند. بدن تکم را با پارچه قرمز خوش رنگ می‌پوشانند و روی آن را با سکه‌ها و پولک‌ها و زنگوله‌های کوچک خوش‌رنگ تزئین می‌کنند. این کار باعث می‌شود که وقتی تکمچی عروسک را به رقص درمی‌آورد آن تزئین‌ها آهنگ خاصی به رقص تکم ببخشد. عروسک بز نر و روپوش قرمز رنگ تکم و تزئین‌های آن ریشه در اسطوره‌های مردم آذربایجان دارد. بز در فرهنگ آذربایجان نماد زندگی اجتماعی انسان‌های دوران باستان است. بز ماده را نماد باروری و بز نر را نماد دورهم بودن و زندگی اجتماعی می‌دانستند. رنگ قرمز در فرهنگ مردم آذربایجان هم نماد و سمبل آتش و گرمی و هم نماد شادی و سرور می‌باشد. علت اینکه زنان آذربایجان هم در پوشش‌های خود از رنگ قرمز زیاد استفاده می‌کنند به همین ریشه و نماد برمی‌گردد. اما پولک‌ها و سکه‌های آویزان از تکم نماد فراوانی و برکت در بین مردم آذربایجان است. تکمچی با بستن سکه به لباس تکم نوید سال نیکو و پربرکت را برای مردم می‌دهد. گاهی دیده می‌شود که برخی از تکمچی‌ها به دو طرف شکم تکم آیینی نصب می‌کنند. این کار به رسم روشنایی و دادن چشم روشنی و خبر از سال شادی و فراوانی است.



^۱- Tökəm

کسی که تکم را به رقص درمی آورد یعنی وظیفه عروسک گردانی را برعهده دارد اصطلاحاً به آن شخص تکمچی می گویند. تکمچی کسی است که تکم را خودش می سازد. خواننده خوش صدای است و هم شاعر یا شعر بلد خوبی است که با فرهنگ و ادبیات ترکی آذربایجان کاملاً آشناست و از قصه ها و متل ها و افسانه های آذربایجان سر درمی آورد. تکمچی آذربایجان هنرمند برجسته ای است که زندگانی خود را هم از همین راه تامین می کند. اگر بخوایم تکمچی را تعریف کنیم می توانیم بگوییم که او بشارت دهنده شادی، فراوانی و نوید دهنده عید نوروز و سفیر سال نو است. تکمچی با پوشیدن لباس قرمز رنگ و گذاشتن کلاه قرمز رنگ تزئین شده می خواهد خودش هم مثل تکم نوید دهنده شادی و برکت به مردم باشد (علی عسگر: مصاحبه).

تکمچی در انتخاب اشعار خود دقت فراوان می کند طوری که سعی دارد آداب و رسوم و مسائلی که در زندگی اجتماعی مردم آذربایجان دیده می شود را در آن شعرها و ترانه های شاد به مردم انتقال دهد برای نمونه:

بیزیم بیژده یومورتانی یویارلار / اونو دؤنوب یئددی رنگه بویارلار / یئددی سینده تحویل اوسته قویارلار / سیزین بو تازه بایرامیز مبارک / آییز، ایلیز، هفته ز، گونوز مبارک
ترجمه:

در منطقه ما تخم مرغ را می شویند / آن را به هفت رنگ می آرایند / هر هفت تا را در سفره عید می گذارند / این عید تازه تان مبارک / ماهتان، سالتان، هفته تان، روزتان مبارک

بیزیم بیژده قوهون قارپیز اکرلر / اونو تامام شهرلره توکرلر / تزه ایلین چوخ حسرتین چکرلر / سیزین بو تازه بایرامیز مبارک / آییز، ایلیز، هفته ز، گونوز مبارک
ترجمه:

در منطقه ما خربزه و هندوانه می کارند / آنها را به تمام شهرها می فرستند / حسرت فرا رسیدن سال نو را می کشند / این عید تازه تان مبارک / ماهتان، سالتان، هفته تان، روزتان مبارک (ملا گل احمد: مصاحبه).



تصویر شماره (۸): استاد علی‌سگر ایمانی تنها تکمچی پیشکسوت منطقه اردبیل و آذربایجان (عکاس: پژوهشگر، ۱۳۹۰).



تصویر شماره (۹): تصویر تکم ساخته شده توسط اوینورهای ترک چین (منبع: توموز، ۲۰۰۹).

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اولین کاربردی که در ساخت عروسک‌ها مطرح می‌گردد، کاربرد به ظاهر اسباب‌بازی بودن آن برای کودکان است. این کاربرد بر اساس تفاوت‌های فرهنگی در مناطق مختلف انسانی متفاوت خواهد بود. آنچه مهم است کاربرد نمادین عروس‌ها در بین مردم مناطق مختلف استان اردبیل است. به عبارتی این وسیله که به ظاهر اسباب‌بازی بچه‌هاست توسط بزرگترها ساخته می‌شود. نمادی از اعتقادات دینی مردم و نیز نمادی از پوشش زیستی و اکوسیستم طبیعی آنها به حساب می‌آید. که با تفکر و تحقیق می‌توان نشانه‌های نمادین رنگ‌ها، نوع آراستگی را شناخت. ساختار نمادین این عروسک‌ها ریشه در اسطوره‌ها و افسانه‌های مردم کوهستانی نشین این استان دارد. از طرفی هم سنت و باورهای دینی و زندگی روزمره

اجتماعی این مردم در ساختار تولید عروسک‌ها به چشم می‌خورد.

رولان بارت درباره اسطوره و نماد بودن اسباب‌بازی دیدگاه جالبی دارد او بیان می‌کند که اسباب‌بازی‌های کودکان فرانسوی مو به مو دنیای کارکردهای بزرگ را پیشاپیش تجسم می‌کنند، فقط برای آماده کردن کودک برای پذیرش تمامی آنهاست. از این منظر عروسک‌ها در بین مردم مناطق مختلف استان هم به نوعی نشان دهنده نقش دختران و پسران در جامعه خود و به عبارتی آموزش وظایف و مسئولیت اجتماعی آینده آنهاست. به عبارتی این عروسک‌ها از نظر اجتماعی مقیاس کوچک زنان و مردان و نقش آنها در خانواده را برای کودکان باز تولید می‌کند. تفاوت این عروسک‌ها با عروسک‌هایی که بارت از آن سخن می‌گوید (اسباب‌بازی فرانسوی معمولاً اسباب‌بازی تقلیدی است و می‌خواهد از بچه‌ها مصرف‌کننده بسازد نه کودکانی آفرینشگر) در این است که سازندگان این عروسک‌ها شرکت‌ها، نهادها و... نیستند بلکه به دست مردم ساخته می‌شوند، آن هم به شکل کاملاً مشارکتی در جمع خانواده‌ها. به عبارتی در روند ساخت این عروسک‌ها تهیه چوب آن برعهده مردان و پسران خانواده‌هاست. ساخت و خلاقیت هنری آن برعهده زنان باتجربه و تزئین خلاقانه و نگهداری مسئولیت‌پذیرانه آن نیز برعهده دخترهای خانواده‌هاست. شاید تنها گزینه‌ای که در بحث ساخت این عروسک‌ها در بین این مردم مطرح نمی‌گردد مصرف‌گرایی و ترویج آن در بین کودکان است. ماده اصلی این عروسک‌ها از چوب است. چوب است که قد و وزن و شاکله اصلی عروسک‌ها را تشکیل می‌دهد. کودک اردبیلی وقتی با عروسک‌ها بازی می‌کند، خوب می‌فهمد که او شکننده است، احساس دارد، باید مراقبش باشد. با او مثل یک انسان واقعی رفتار می‌کند. هر وقت لباسش کهنه یا کثیف شد آن را عوض می‌کند. برایش لالایی می‌خواند، رختخواب پهن می‌کند، قصه می‌گوید، با خود به گردش می‌برد، باهاش درد و دل می‌کند و... مهم‌تر از همه این نمادها، این عروسک‌ها در بین مردم استان اسطوره-افسانه و روایت‌های مختلف دارند. انگار این عروسک‌ها عضوی از اجتماع اولیه و امروزی مردم استان است.

برای چنین افسانه‌ها و اسطوره‌ها نمی‌توان زمان و مکان خاصی در نظر گرفت چرا که شکل‌گیری این روایت‌ها ریشه در اسطوره‌ها و افسانه‌های قدیمی دارد. از طرفی هم خاص یک منطقه و مردم خاص نیست. تنها مطرح شدن یک روایت در زمان و مکان خاص دلیل مالکیت آن منطقه به روایت نیست، اما می‌تواند لحن و رنگ و ساختار بومی یک منطقه را در زمان خاصی به خود بگیرد. در این حالت می‌توان برای یک روایت شناسنامه خاصی صادر است. در این روایت‌های عروسک‌ها هم آیت‌های زمانی و مکانی تا حدودی لحن و رنگ ساختاری فرهنگ مردم استان اردبیل را به خود اختصاص داده است. این ادعا چندین دلیل عمده دارد از جمله: شرایط اقلیمی و زیستی روایت‌ها نشان می‌دهد که مکان آنها کوهستانی است که زمستان‌های طولانی و سختی دارد و تابستان‌های کوتاه و خنگی در آن موج می‌زند. شرایط فرهنگی، وجود باورها، آیین‌ها، رسوم خاص مردم استان اردبیل داخل این افسانه‌ها و اسطوره‌ها نشانگر

تعلقات خاص این روایت‌ها به این منطقه جغرافیایی با فرهنگ خاص خوشان است. زمان این روایت‌ها را نمی‌توان به صورت دقیق بیان کرد، چرا که مثل همه افسانه‌ها از اسطوره‌ها الهام گرفته است. اما نکته مهمی که در این روایت‌ها وجود دارد اشاره به عناصر زندگی سنتی مردم استان اردبیل در قرن اخیر است. وجود رنگ در زندگی اجتماعی مردم مناطق مختلف استان اردبیل از لباس‌ها و پاچه‌های رنگارنگ گرفته تا بشقاب‌های رنگی، اینها نشان دهنده نماد و نقش رنگ‌ها در زندگی اجتماعی این مردم کوه‌نشینان دارد. تأکید به رنگ سرخ هم ریشه در اساطیر و افسانه‌ها و باورهای این مردم دارد که در تفسیر وجه تسمیه نام این روستاها و شهرهای این استان هم به آن اشاره شده است. از طرفی هم نماد فراوانی، برکت و شادی مردم این منطقه را توصیف می‌کند. اشاره با نحوه ساخت عروسک‌ها و کاربرد وسایل و چگونگی استفاده از آن توسط خانواده خصوصاً زنان دارد. این عروسک‌ها در فرهنگ مردم استان علاوه بر سرگرمی بچه‌ها و ارتباط میان بزرگ‌ترها و بچه‌ها، وسیله‌ایست که در حالات رفتاری و روانی افراد این جامعه مانند شادی و غم و آیین و مناسک خاص کاربرد دارد. انتخاب اسم آن هم اسم اصلی که با فرهنگ و ساختار اجتماعی این مناطق تناسب عمیق فرهنگی دارد، برای عروسک‌ها نکته مهم مردم‌شناختی است تا ارتباط عاطفی و حسی بین عروسک و صاحب آن عمیق‌تر و قوی‌تر باشد. ارتباط انسانی عروسک و صاحب عروسک و سازنده عروسک مسئله مردم‌شناختی مهمی است که در این روایت‌ها مطرح می‌گردد. ارتباط عاطفی بین عروسک و صاحب آنقدر عمیق می‌گردد که به صورت نمادین به گفتار و زبان تبدیل می‌گردد.

بر اساس نظریه ساختارگرایی می‌توان نتیجه گرفت که ساختار عروسک‌های آیینی و سنتی مناطق مختلف اردبیل با توجه به فرهنگ زندگی اجتماعی آنها هم می‌تواند ساختار بیرونی و هم می‌تواند ساختار درونی داشته باشد. ساختار بیرونی که ساختار فرمی را شامل می‌گردد، می‌تواند در صنعت عروسک‌سازی (عروسک‌های سنتی و حتی مدرن) وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ برای دیگر فرهنگ‌ها باشد و داشته‌های صنایع دستی (عروسک‌های آیینی و سنتی) مردم استان اردبیل را روز به روز توسعه بخشد. ساختار درونی هم در معرفی این صنایع و هنر دستی که در زندگی شهری، روستایی و عشایری به کار می‌رود و نیز باز تولید عناصر سنتی زندگی در زندگی اجتماعی مدرن و توسعه آن، فراتر از جغرافیای فرهنگی مردم این روستا نقش اساسی می‌تواند داشته باشد. به عبارتی بخش مهمی از زندگی روزمره مردم مناطق مختلف استان اردبیل به طراحی، ساخت و مراسمات آیینی خاص مرتبط با عروسک‌گردانی و عروسک‌های سنتی صرف می‌شود که ارتباط عمیق و ناگسستنی با ساختار نژادی و قومی، اقلیمی، جغرافیایی و فرهنگی مردم شهرنشین، روستانشین و عشایری اردبیل دارد. بر اساس نظریه ساختارگرایی می‌توان نتیجه گرفت که ساختار سنتی و آیینی عروسک‌ها و همچنین هنر بومی عروسک‌سازی در دانش‌های بومی مردم این مناطق هم می‌تواند ساختار بیرونی و هم می‌تواند ساختار

درونی داشته باشد. ساختار بیرونی که ساختار فرمی این هنر سنتی و آیینی را شامل می‌گردد، می‌تواند در صنعت عروسک‌سازی وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ برای دیگر فرهنگ‌ها باشد و داشته‌های صنایع دستی (عروسک‌سازی) مردم این مناطق را روز به روز توسعه بخشد. ساختار درونی هم در معرفی هنر دستی عروسک‌های مختلفی که در زندگی اجتماعی این مردم به کار می‌رود و نیز باز تولید صنایع دستی عروسک‌های سنتی و توسعه آن، فراتر از جغرافیای فرهنگی مردم این استان نقش اساسی داشته باشد.

پیشنهاد

حفظ و پاسداشت عروسک‌های سنتی (نمادین و آیینی) در بین مناطق مختلف استان اردبیل با طراحی و راه‌اندازی موزه عروسک‌های استان اردبیل می‌تواند پیشنهاد پژوهشی این مقاله تحقیقی باشد.

تعارض منافع

نویسندگان و متعد می‌شوند مقاله تعارض منافع ندارد. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است

منابع

- احمدی. عمار (۱۳۹۷). فرهنگ تکم و تکمچی. تهران: انتشارات ساوالان ایگیدلری.
- احمدی. عمار (۱۴۰۰). عروسک گلین بالا. تهران: انتشارات ساوالان ایگیدلری.
- اریکس. توماس هیلند و نیلسن. فین سیورت (۱۳۸۶). تاریخ انسان شناسی از آغاز تا امروز. ترجمه علی بلوکباشی. تهران: گل آذین.
- بارت. رولان (۱۳۷۵). اسطوره، امروز. ترجمه شیرین دخت دقیقیان. تهران: مرکز
- بیضایی. بهرام (۱۴۰۱). نمایش در ایران. تهران: انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان.
- حقیقت. عبدالرفیع (۱۳۷۶). فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستانهای ایران. تهران: کومش.
- جدی. منصور (۱۳۹۹). نام‌ها و نامیده‌های جغرافیایی منطقه اردبیل. اردبیل: انتشارات سپهر فروزان.
- خیام. عمر (۱۳۹۶). مجموعه کامل رباعیات عمر خیام. تهران: انتشارات کتابراه.
- چایلی. صمد (۱۳۸۴). نگاهی به واژه‌های اساطیری آذربایجان. تبریز: اختر.
- زارع شاهمرسی. پرویز (۱۳۸۷). فرهنگ شاهمرسی ترکی-فارسی. تبریز: انتشارات اختر.
- سهرابی. امیر، خسروی. هما (۱۳۹۵). عروسک‌های نوروزی ایران. تهران: موسسه فرهنگی هنری نوروز هنر.
- صفری. بابا (۱۳۷۰). اردبیل در گذرگاه تاریخ. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- صفری نژادیان. مژگان (۱۳۸۴). عروسک‌های ایرانی. تهران: تخت جمشید.
- عظیم پور. پوپک (۱۳۸۹). فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی آیینی و سنتی ایران. تهران: نمایش.
- علیزاده. فرشید (۱۳۹۷). اردبیل دارالعرفان و دارالارشاد. اردبیل: انتشارات عنوان.
- فکوهی. ناصر (۱۳۹۲). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان شناسی. تهران: نی.
- محمدزاده صدیق، حسین (۱۳۸۸). هفت مقاله دکتر صدیق پیرامون فولکلور و ادبیات مردم آذربایجان. تهران: انتشارات تک درخت.

نادری. اتابک(۱۳۷۴). سیر نمایش در اردبیل. تهران: انتشارات تماشای زندگی.

نبی اف. آزاد مولود اوغلو(۱۳۸۶). چهارشنبه سوری در آذربایجان، ترجمه یونس وحدتی هالن، مینا جعفرپورعصر. تبریز: انتشارات اختر.

جدول مصاحبه‌ها

نام و نام خانوادگی مصاحبه شونده	سن	شغل	محل زندگی	ملاحظات
علیسگر ایمانی	۸۸	تکمچی	روستای آلی مشکین‌شهر	
ایواز صادقی	۸۹	کشاورز و دامدار	روستای آلی مشکین‌شهر	
جمال خون خم	۸۷	پیشه‌چی	روستای قارادریش مشکین‌شهر	
نارینج محمدی	۸۴	خانه‌دار	زن عشایر شاهسون	
ماهی قربانی	۶۷	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون	
گولقدم قادری	۷۵	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون	
گول‌سوره تیموری	۷۵	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه جیلودار	
گول آوا تیموری	۷۰	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه جیلودار	
ازگول طاعتی	۷۳	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه موغانلی	
عدیله آقازاده	۶۷	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه تکه	
خاتمه آقازاده	۶۰	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه تکه	
هجر حاجیلی	۶۶	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه تکه	
آی‌تیکه طاعتی	۷۶	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه موغانلی	
اصلی هنرور	۸۰	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه موغانلی	
ایپکناز شیخی	۸۵	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه تکه	
حامایل شیخی	۷۲	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه تکه	
منظر کیانی	۸۰	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه موغانلی	
مدینه خیراندیش	۷۷	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه تکه	
فرحناز کیانی	۶۵	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه موغانلی	
سیمی نطاقت	۸۹	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه تکه	
آستاگول نطاقت	۷۳	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه تکه	
گول‌خارا لطفی	۸۰	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه موغانلی	

زین تاج تیموری	۶۵	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه خلفه‌لی
بسدی قیز فرزانه	۹۰	زن عشایر شاهسون	ایل شاهسون طایفه موغانلی
یدالله فولادی	۸۱	نجار	شهرستان اردبیل
ملا گل احمد گودرزی	۸۶	باسواد روستا	روستای آلوارس شهرستان سرعین
سلمی‌ناز میرزاییان	۸۵	خانه‌دار	روستای آلوارس
گیله‌نار یعقوبی	۷۷	خانه‌دار	شهرستان اردبیل
قیز خانیم محبی	۹۹	خانه‌دار	روستای آلوارس شهرستان سرعین
صوبی‌ناز سبحانی	۷۷	خانه‌دار	روستای آریاچایی شهرستان خلخال
جتیران شعاری	۶۲	خانه‌دار	روستای آلوارس شهرستان سرعین
ننه خانیم شعاری	۸۵	خانه‌دار	شهرستان اردبیل
محترم امامی	۹۵	خانه‌دار	روستای آلوارس شهرستان سرعین
تازا خانیم یآوری	۸۶	خانه‌دار	روستای آلوارس شهرستان سرعین

